

در نشست خبری پنجمین جشنواره پرده‌خوانی و نقالی غدیر مطرح شد

هنر اصیل ایرانی در خدمت گسترش فرهنگ علوی

گروه فرهنگی: نشست خبری پنجمین جشنواره پرده‌خوانی و نقالی غدیر مباحله با حضور مرشد میرزاعلی دبیر جشنواره، علیرضا حبیبی مدیر رادیو فرهنگ و امیرحسین سمیعی معاون هنری سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران صبح دیروز ۲۱ تیرماه در حوزه هنری برگزار شد. در این نشست میرزاعلی، دبیر جشنواره نقالان علوی ضمن ارائه گزارشی از روند برگزاری این جشنواره از افزوده شدن بخش مباحله به پنجمین دوره جشنواره پرده‌خوانی و نقالی غدیر با توجه به اهمیت این حادثه تاریخی خبر داد و گفت: استقبال از این جشنواره هر سال افزایش یافته است. در دوره نخست تنها ۲۷ اثر به دبیرخانه رسید ولی در دوره‌های بعد طومارهای مذهبی را چاپ کردیم و

در اختیار شرکت‌کنندگان قرار دادیم. در این دوره در مدت کوتاه انتشار فراخوان ۲۱۰ اثر به دبیرخانه رسیده و در رده‌های کودک، نوجوان دختر، نوجوان پسر، بانوان و آقایان آثار ارسال شده‌اند. او افزود: از آثار رسالی، ۵۰ اثر فاخر به مرحله دوم داوری رسیدند و در نهایت ۳۳ اثر نامزد نهایی شدند. در بخش آقایان و بانوان به‌صورت جداگانه سه برگزیده داریم و در بخش نوجوان نیز دختران و پسران به‌طور جداگانه داوری و انتخاب می‌شوند. تمام ۱۰ کودک شرکت‌کننده در جشنواره برگزیده هستند چون به روایت غدیر می‌پردازند و شایسته ستایش هستند. میرزاعلی گفت: جشنواره در دو بخش، یکی رادیویی و دیگری میدانی از ۲۴ تا ۳۱ تیر از ساعت ۱۹ در میدان امام حسین (ع)

تهران برگزار می‌شود و در روزهای ۲۸ و ۲۹ تیر نیز اجرای میدانی اختصاصی در میدان ولیعصر(عج) خواهیم داشت. در اختتامیه بخش رادیویی که ۲۶ تیر خواهد بود، سه نفر از بزرگان عرصه رسانه و روایتگری تقدیر می‌شوند. او با بیان اینکه در این دوره برای نخستین بار بخش مباحله نیز به جشنواره افزوده شده، توضیح داد: ۲۰ طومار مباحله تهیه شده که هر نقال شرکت‌کننده در جشنواره باید حتماً یک نقالی با موضوع مباحله نیز انجام دهد. میرزاعلی تصریح کرد: این جشنواره توانسته در جریان‌سازی نقالی مؤثر باشد و نقالان برگزیده در همایش اربعین نیز به هنرنمایی روایتگری به زبان‌های مختلف عربی، فارسی، انگلیسی و ترکی خواهند پرداخت. امسال برای

نخستین بار زوج نقال و نیز پرده‌خوان اهل تسنن را در میان شرکت‌کنندگان داریم. میرزاعلی با اشاره به ثبت جهانی هنر نقالی و پرده‌خوانی عنوان کرد: ایرانیان صاحب کامل‌ترین نوع روایتگری هستند که با موسیقی و تصویر توأم است.

روایتگری غدیر و استمرار فرهنگی تاریخی

همچنین در این نشست، علیرضا حبیبی، مدیر رادیو فرهنگ در سخنانی از نقالی به‌عنوان ابزاری برای پاسداری از فرهنگ و هنر دینی و ایرانی یاد کرد و گفت: غدیر، داستانی برای کودکان و فرهنگی برای جوانان است که روایت آن در استمرار فرهنگ غدیر نقش دارد. او با بیان اینکه رادیو فرهنگ پاسدار هنر

متعالی است و برنامه‌های مستمری را در حوزه نقالی پخش می‌کند، افزود: در این جشنواره رادیو فرهنگ از دو نقال تجلیل خواهد کرد و نیز در نظر داریم برنامه‌ای اختصاصی را در روایت نقالی علوی تولید کنیم. امیرحسین سمیعی، معاون هنری سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران نیز در این نشست با بیان اینکه هنرمندان همیشه پیشساز عرصه‌های فرهنگی بوده‌اند بر نقش مهم هنر نقالی در پاسداری و اعتلای فرهنگ غدیر تأکید کرد. سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران نیز امیدوار است با مشارکت در این جشنواره گامی را در راستای تمدن‌سازی علوی بردارد و وظیفه تمام نهادها و سازمان‌هاست که در این عرصه همکاری کنند. پیش از این با حکم مدیر مرکز



پنجمین جشنواره «نقالی و پرده‌خوانی غدیر، مباحله (نقالان علوی)» منصوب شده بودند.

هنرهای نمایشی حوزه هنری طی احکامی اردشیر صالح‌پور و محمدرضا معجونی به‌عنوان اعضای هیأت انتخاب آثار

کاظم دانشی در گفت‌وگو با «ایران» از اولین تجربه فیلمسازی اش گفت

مادرانگی حلقه وصل قصه «علف‌زار» است



نمی‌دهند. اگر این فضای گفت‌وگو ایجاد شود با ادله موجود طرفین متقاعد می‌شوند و در نهایت تعامل شکل می‌گیرد و می‌شود به ادبیات مشترک رسید.

پرونده‌های حقوقی و کیفری پتانسیل زیادی برای پرداخت سینمایی دارند و می‌شود این پرونده‌ها را به شکل هدفمند و برنامه‌ریزی شده آرشو کرد و در اختیار فیلمسازان قرار داد. طرحی که به اعتقاد برخی منتقدان که در هر دو حوزه سینما و قضاوت تجربه دارند از جمله جواد طوسی، می‌تواند برای قوه قضائیه هم درآمدا باشد. چنین پیشنهادی از سوی شما و بقیه فیلمسازان مطرح شده است؟

ما در همه جلساتمان این موضوع را با دوستان خویمان در قوه قضائیه مطرح کرده‌ایم. من شخصاً این پیشنهاد را گفتم و فکر می‌کنم خیلی از فیلمسازان دیگر هم علاقه‌مند باشند. درخواست کردیم پرونده‌هایی را که به نظرشان جذاب است در اختیار ما قرار دهند و اعلام کردیم که علاقه‌مندیم آنها را تبدیل به فیلم کنیم اما متأسفانه تا امروز چنین اقدامی صورت نگرفته است. در حالی که خیلی از پرونده‌ها به‌شدت قابلیت سینمایی شدن دارند و برای مخاطب هم جذاب است.

علاوه بر جرابیت، آگاهی دهنده هم هستند شمار در همین فیلم «علف‌زار» به تایم طلایی پیگیری شکایت اشاره می‌کنید. برنامه «آقای قاضی» که این شب‌ها از شبکه دوسیمای بخش می‌شود فارغ از کیفیت، از منظر اطلاع‌رسانی برای مخاطب جذاب است، چرا که آگاهی دهنده است و اطلاعات حقوقی را در اختیار مخاطب می‌گذارد. این مجموعه را ندیده‌ام اما در ۴۰ سال اخیر قوه قضائیه روزانه پرونده‌های زیادی را حل و فصل می‌کند که کلی قصه و داستانتک و داستان در دل این پرونده‌ها وجود دارد و می‌تواند به همه ما فیلمسازان ایده بدهد. کاش روزی این آغوش باز شود و بشود

من در دل تمام تلخ‌هایی که در پرونده‌ها مطالعه

کردم، امید می‌بینم، نگاه به آینده می‌بینم. اساساً بخشی از رسالت فیلمساز همین است که بتواند روی مخاطب تأثیر بگذارد. فیلم من به‌شدت تلخ و گزنده است ولی دلم می‌خواهد در دل این تلخی راهکاری، پیشنهادی، امیدی و حال خوبی برای مخاطبم باقی بگذارم

پرونده را تغییر دهند و به سمت نتیجه کاراکتر برآید حتی مردم عادی هم به رشوه متوسل می‌شوند در نهایت بستگی به می‌رسد مهم‌ترین دغدغه هر دو آینده و بویژه برای سارا فرزندش است. این مؤلفه آنقدر قدرتمند است که سارا تمام شرایط موجود، حتی برهم خوردن زندگی خودش، خانواده و خواهرش را نادیده بگیرد؟

کاراکتر سارا با بازی خانم بهرامی نماینده‌ای از جامعه زنان است که قرار است سکوت و مصلحت اندیشی نکند. قرار است پاستند و مسأله‌شان را فریاد بزند. مطمئناً سارا درد آینده پچ‌اش را دارد، درد مادرانگی دارد و اینکه در آینده چه بر سرش خواهد آمد. نگران آینده است. پیشنهاد من فیلمسازان است که اگر قرار است آینده‌ای روشن برای پچه‌هایمان ترسیم کنیم نباید سکوت و مصلحت اندیشی کرد.

گویا از ۱۵ پرونده مختلف با چنین موضوعی استفاده کردید و ۳۰۰ پرونده را در مرحله تحقیقاتی جنایی مطالعه کردید. مسائلی چون خیانت، سکوت به خاطر مصلحت و حفظ آبرو یا حتی موقعیت اجتماعی یا اینکه داستانی به خاطر مدیریت شهری پرونده را مخته‌هایم

کند، چقدر ما به ازای بیرونی دارد. بله، همه اینها ما به ازای بیرونی دارد. شاید یک جاهایی تغییرات کوچکی ایجاد شده و مثلاً شهردار جایگزین فرماندار شده باشد. در بحث دادرسی متأسفانه فشارهای بیرونی زیادی از سوی نهادها، ارگان‌ها یا افراد حقوقی و حقیقی وجود دارد تا با اعمال قدرت و فشار جریان یک

به جبر چیزی را از آنها سلب می‌کند اما هر دو تصمیم می‌گیرند عاقبت را رها کنند و برای چیزی مهمتر به دل آتش بزنند. به نظر می‌رسد مهم‌ترین دغدغه هر دو آینده و بویژه برای سارا فرزندش است. این مؤلفه آنقدر قدرتمند است که سارا تمام شرایط موجود، حتی برهم خوردن زندگی خودش، خانواده و خواهرش را نادیده بگیرد؟

نمی‌رود. در خیلی از پرونده‌هایی که من بررسی کردم و از آنها مستند ساختن این دغدغه برایم جدی بود که چرا آدم‌ها شکایت نمی‌کنند و دنبال حق و حقوق‌شان نمی‌روند. همین مسأله عامل مهمی بود که باعث شد سراغ «علف‌زار» بروم. البته همه ماجرا این نیست و بخش دیگر سؤال‌تان هم برایم خیلی جدی است یعنی این که بتوانم برای مردم فیلم بسازم. من این اصطلاح برخی فیلمسازان که «فیلم خودم را ساختم» را خیلی درک نمی‌کنم. وقتی فیلمی در ساخت سینما ساخته می‌شود و قرار است مردم بلیت بخرند و فیلم را ببینند همین امر ملزم می‌کند که جذابیت‌های قصه‌گویی و موضوعی را لحاظ کنیم تا زمان آنها به بطالت نگذرد و فیلم حرفی برای گفتن داشته باشد. مسأله‌ای را مطرح کند و پیشنهادی داشته باشد. سعی کردم در فیلم اول و شروع مسیر فیلمسازی این مسأله را رعایت کنم؛ یعنی فیلم‌م هم حرفی برای گفتن داشته باشد و هم برای مخاطب جذاب باشد.

در عین حال در فیلم شاهد مواجهه شخصیت‌ها بویژه این دو شخصیت اصلی با یکسری انتخاب هستیم، انتخاب‌هایی که

نرگس عاشوری/ فیلم سینمایی «علف‌زار» به یک روز از زندگی پرتلاطم یک بازپرس می‌پردازد. کاظم دانشی در نخستین تجربه بلند سینمایی براساس فیلمنامه‌ای از خودش سراغ پرونده‌های واقعی رفته و به چند موضوع منتهب و مبتلابه اجتماعی پرداخته است؛ از خطای یک مأمور سر صحنه دستگیری یک خلافکار تا تلاش یک زوج معتاد برای گرفتن شناسنامه برای فرزند و البته پرونده محوری که تعرض و تجاوز به یک بچ‌اند زن در یک میهمانی خارج شهر است. او در گفت‌وگو با «ایران» از دغدغه‌های ساخت و اکران «علف‌زار» گفته است که بدون در اختیار داشتن تیزرهای تلویزیونی فروش قابل قبولی را تجربه کرده است.

«علف‌زار» شروع تکان دهنده‌ای دارد اما بدون رها کردن آن، جسورانه وارد روایت تکان دهنده اصلی می‌شود. در حالی که تماشاگر فکر می‌کند شاهد ماجرای پیچیده گذشته شدن اشتباهی یک کودک توسط مأموران است وارد موضوع منتهب‌تر تجاوز گروهی می‌شود. مخاطب از یک سو با بازپرسی مواجه است که از سوی مافوق اش تهدید و تطمیع می‌شود که پرسشگری را چر به یک پرونده تجاوز به عنف را رها کند و از سوی دیگر با شخصیت اصلی زن، سارا، رو به روست که به‌عنوان یکی از قربانیان تلاش می‌کند تن به خواسته قدرت (خانواده/ آبرو) ندهد. چقدر مؤلفه پرسشگری، پی گرفتن حقیقت و مهمتر از آن شکست سکوت برایتان دغدغه بود و تا چه میزان کشش و جذابیت موضوع بود که شما را مصمم کرد با وجود تمام معطلی‌ها برای دریافت پروانه ساخت، این فیلم را به سرانجام برسانید و اولین قدم ورود به دنیای فیلمسازی را پر قدرت بردارید و از همان ابتدا اعتماد و نگاه مخاطب را در فیلم اول جلب کنید؟

متأسفانه در بیش از ۹۰ درصد پرونده‌های مربوط به تجاوز به عنف، شاکي از ترس آبرو و بازخوردها و... سراغ شکایت



ایستادگی و اعتماد

حضور بهرام رادان در زندگی من از بهترین لطف‌های خدا بود آنقدر که برادرانه همراه بود، به من اعتماد کرد و پشت «علف‌زار» ایستاد. دلم با هم از این سازمان به آن سازمان و از این اداره به آن اداره رفتم تا اینکه توانستیم مجوزهای فیلم را دریافت کنیم. او سال‌هاست که سوپر استار سینمای ایران است، مطمئناً وقتی چنین شخصیتی پشت یک فیلم قرار می‌گیرد جلب اعتماد بازیگران مطرحی مثل پژمان جمشیدی، ستاره بسیاری، سارا بهرامی و بقیه عزیزان راحت‌تر است. واقعیت امر این است که کسی از من به‌عنوان کارگردان فیلم اولی شناختی نداشت ولی اعتماد آقای رادان من را در موقعیتی قرار داد که بقیه بازیگرها هم اعتماد کنند. پای کار بیایند و یک تیم خوب در «علف‌زار» دورهم جمع شوند.

رفیق درجه یک باهوش

پژمان جمشیدی یکی از باهوش‌ترین افرادی است که در سینمای ایران کار می‌کند، به‌شدت آدم همراه و رفیق درجه یک و دوست داستنی است. از زمانی که افتخار همکاری را به من داد پایه و همراه بود. با هم به دادسرای جنایی رفتم و کلی تحقیق کردیم و البته که خیلی هم زود نقش را گرفت. الحمدلله خروجی کار که ۹۹ درصدش حاصل تلاش اوست خوشایند بود. امسال می‌توانست سال پژمان جمشیدی باشد ولی خب قطعاً بازی امین آقا‌حیایی عزیز خیلی درخشان و درجه یک بود که با تشخیص تیم داوران سیمرخ نصیب او شد. در نهایت اما به نظرم سیمرخ جشنواره چهل‌می‌توانست مال پژمان باشد ولی خب قسمت نبود.



فیلم‌هایی جدی‌تر ساخت و مسائل مهمتر را مطرح کرد.

«علف‌زار» سوزه ملتهبی دارد اما به نظر می‌رسد نخواست‌اید حجم بالای انتهایی که در بطن و واقعیت داستان وجود دارد به کنش‌ها و واکنش‌ها منتقل شود. ضمن اینکه «علف‌زار» می‌توانست فیلمی بسیار تلخ‌تر باشد اما رگ‌های امید هم در فیلم دیده می‌شود. این حاصل نگاه شما به جامعه است یا مفری بود که از مسیر آن مجوز

نمایش دریافت کنید؟
نه واقعاً. فکر می‌کنم فیلمم آنقدر نه مسأله اجتماعی مطرح می‌کند که هر کدام از آنها می‌توانست هر فیلمسازی را نگران کند. من از همان اول فیلمم را به دندان گرفتم و جنگیدم تا آن طور که باید، نمایشش بدهم. به نظرم می‌آمد که دارم حرف حق می‌زنم و مسأله‌ای را مطرح می‌کنم که ادله دارد، پس نباید نگران باشم. تنها نگرانی‌ام این بود که دوستان اهل درکش کنیم، نکته دوم اشتراکی است که از نظر دراماتیکی بین قصه‌ها وجود دارد هستند؛ فریباً به خاطر شناسنامه فرزندش و سارا به خاطر آنکه پسرش آن صحنه تلخ را دیده است و حتی مادران دیگر. خانم مانده پهماسبی که نقش مادر چهار متجاوز را بازی کرده هم نگران بچه‌هایش است یا خانم جاویدنیا نگران دخترترش است که مورد تعرض قرار گرفته. این مسأله که مادرانگی حلقه وصل باشد و نسخ سیبخی به نام مادر وجود داشته باشد برایم جذاب

در قصه «علف‌زار» سه موقعیت روانی را با هم پیش می‌برید: موقعیت بازپرس و شیوه عملکردش، مسائل مرتبط به افراد در معرض اتهام و در نهایت کشمکش زوج معتاد، اما این سومی حلقه پیش برنده دو روایت موازی نیست. دلیل رفتن سراغ این داستانتک چه بود؟

به هر بازپرس روزانه چندین پرونده ارجاع می‌شود که ممکن است خیلی از آنها ماه‌ها طول بکشد. مطمئناً پرونده قتل یکی دو روزه حل نمی‌شود و شاید ۳ تا ۴ ماه وقت یک بازپرس را بگیرد. می‌خواستم در بخشی از این قصه سرشوگی و گرفتاری‌های ذهنی یک بازپرس را نشان بدهم، چرا که قصه «علف‌زار» قصه یک روز یک بازپرس است. این تعدد قصه باعث می‌شود که اگر یک بازپرس، جایی اشتباهی کرد، عصبانی شد و... درکش کنیم، نکته دوم اشتراکی است که از نظر دراماتیکی بین قصه‌ها وجود دارد ؛ مادرهایی که نگران آینده بچه‌هایشان هستند؛ فریباً به خاطر شناسنامه فرزندش و سارا به خاطر آنکه پسرش آن صحنه تلخ را دیده است و حتی مادران دیگر. خانم مانده پهماسبی که نقش مادر چهار متجاوز را بازی کرده هم نگران بچه‌هایش است یا خانم جاویدنیا نگران دخترترش است که مورد تعرض قرار گرفته. این مسأله که مادرانگی حلقه وصل باشد و نسخ سیبخی به نام مادر وجود داشته باشد برایم جذاب

شادی زرنق، محمد تقی شاهرخ، فریدون شهبازیان، عبدالکظیم صادقا، جلیل فرجاد، یدالله کابلی، داوود گنجه‌ای، اسماعیل محرابی، سوسن مقصدولو، ابراهیم نباتی مظلومی، مهوش نیکخو، احمدرضا درویش، حسین علیزاده، حمیدرضا نوربخش، داریوش پیرنیکان، زیدالله طلوعی، امیراحمد فلسفی و الهه خاتمی اشاره کرد.

محمد احمدی (باغ ابریشمی)، داریوش ارجمند، عبدالله اسفندیاری، پری امیر حمزه، هادی آرزم، بهمن آرزومه، مرضیه برومند، رضا بنفشه‌خواه، بیژن بیژنی، راضیه تجار، بیژن جباری، امیرعلی جوادیان، بهیه خوشنویسان، بهناز ذاکری، غلامرضا راهیما، علیرضا زرین دست، علی زکان، محمد علی ساربان، سیدحمید ساسانی، غلامحسین

استقبال هنرمندان از دریافت دوز چهارم واکسن کرونا

گروه فرهنگی: دوز چهارم واکسن هنرمندانی که ۳ دوز خود را دریافت کرده بودند، در محل مؤسسه هنرمندان پیشکسوت تزریق شد. به گزارش خبرنگار فرهنگی ایرنا، همزمان با اعلام ستاد ملی مقابله با کرونا برای تزریق دوز چهارم واکسن برای افراد بالای ۷۰ سال مؤسسه هنرمندان پیشکسوت، طبق متأسفانه در نوبت اول روز پنجم تیرماه

